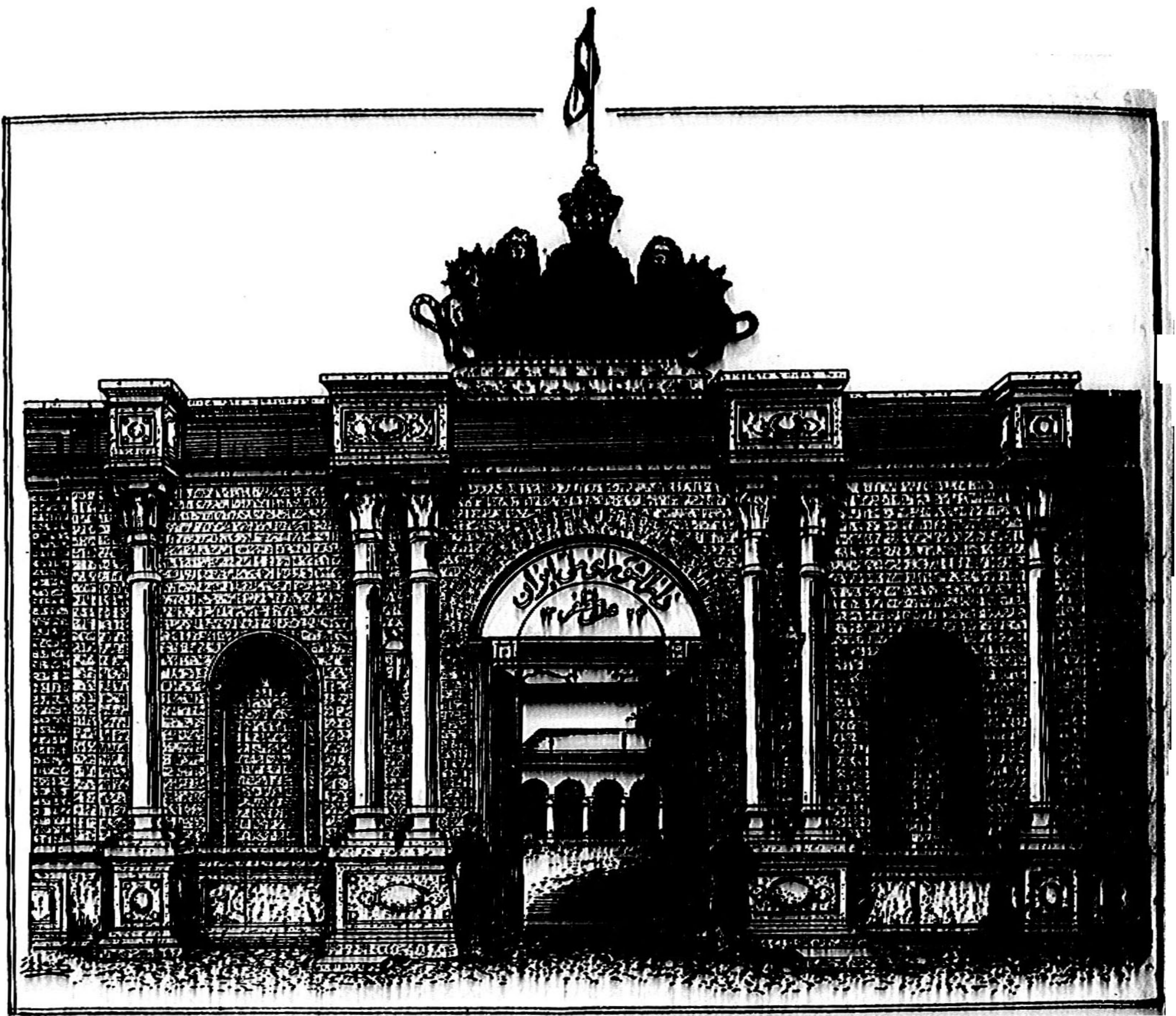


دوره ششم تقنینیه

جلسه ۱۸۵	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۱۵۰
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۷ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۴ رجب المرجب ۱۳۴۶	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس	قيمة اشتراك داخله ايران سالبانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قيمة تك شماره يك قران

فهرست مدارجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی دو ماهه آقای دشتی	۲۰۱۲	۲۰۱۳
۲	مذاکره نسبت بخرید کمیسیون بودجه راجع به هفتاد هزار تومان اعتبار متحرک وزارت پست و تلگراف و تصویب آن	۲۰۱۳	۲۰۱۵
۳	مذاکره نسبت به طرح قانون جمعی از نمایندگان راجع به واگذاری قراولخانه‌های قدیمی شهر تبریز به بلدیة آنجا و تصویب يك فوریت و ارجاع آن بکمیسیون قوانین مالیه	۲۰۱۶	۲۰۱۸
۴	مذاکره نسبت بخرید کمیسیون قوانین مالیه راجع به ماده اول لایحه خالصجات انتقالی	۲۰۱۸	۲۰۲۶
۵	تصویب اضافه روز های شنبه بر ایام تشکیل جلسات مجلس شورای ملی	۲۰۲۶	
۶	قانون اجازه پرداخت هفتاد هزار تومان بعنوان اعتبار متحرک وزارت پست و تلگراف بابت بودجه سنه ۱۳۰۶	۲۰۲۶	



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۷ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۴ رجب المرجب ۱۳۴۶

جلسه ۱۸۵

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای
پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس روز سه شنبه ۵ دیماه را آقای
بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائب با اجازه جلسه قبل
آقای دشتی
غائبین بی اجازه جلسه قبل
آقایان : حاجی علی اکبر امین - شیروانی - اسدی

مرضی قلیخان بیاب - ذوالقدر - امام جمعه شیراز - اعظمی
نظام مافی - زارع - قوام شیرازی - جوانبیر - بالیزی
فرمند - میرزا عبدالله خان ونوق - حاج حسن آقاملك
بفی سلیمان - فرشی - میرزا حسن خاب ونوق -
حاج غلامحسین

در آمده گمان اجازة جلسه قبل

آقایان : شریعت زاده - حاج شیخ بیات - حاج
میرزا مرضی - معتضد استرآبادی

رئیس - صورت مجلس ابرادی ندارد ؟
(گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد - آقای کفیل
وزارت پست و تلگراف

کفیل وزارت پست و تلگراف - در اواخر ماه گذشته
بنده مختصر لایحه راجع باعتبار متحرك وزارت پست و
تلگراف تقدیم کرده بدم به کمیسیون بودجه هم مراجعه
شده است خبرش هم داده شده است چون خیلی مختصر
است تقاضا میکنم آقایان محترم موافقت فرمایند قبل از
ورود بدستور این مختصر لایحه جزو دستور شده وبگذرد
عده از نمایندگان - صحیح است مخالفی ندارد

رئیس - آقای دهستانی با تقاضای آقای کفیل مخالفید
دهستانی - خیر بنده موافقم ولی بشرطی که پیشنهاد
بنده در درجه دوم جزو دستور شود

رئیس - عجالتاً ناآن لایحه را بیارند يك فقره خبر
است از طرف کمیسیون عریض ومرخصی قرائت میشود
(اینطور قرائت شد)

بطوریکه آقای عصر انقلاب نماینده محترم اظهار داشته اند
آقای دشتی نماینده محترم بواسطه کسالت عارضه و لزوم
معالجه تقاضا دارند که از تاریخ ششم دی برای دو ماه
دیگر مرخصی ایشان تمدید شود کمیسیون عریض پس
از مطالعه و دقت در اطراف این تقاضا چون عذر نماینده
محترم را موجه میدانند لذا مرخصی ایشان را بطوری که

خواسته اند تصویب و اینک خبر آرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

آقا سید یعقوب - بنده قبلاً اجازه خواسته ام و
مخالفم

فیروز آبادی - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اولاً این پیشنهاد را که آقای

عصر انقلاب میدهند بدون اینکه معین شده باشد بنده
نمیدانم چه صورتی دارد ؟ تلگراف را هم نمیدانم کمیسیون
دیده است یا نه ؟ شهادت بکنفر را هم نمیدانم کمیسیون
قبول میکنند یا نه ؟ در شرح که دو شاهد عادل لازم
است آقای دشتی هم خودشان برروز برای بنده کاغذی
نوشته بودند که الحمدلله حالم خیلی خوب است و ثانیاً در
ماه اجازه خواستن برای رفتن گشتن و اینها در
اروپا خوب است این دو ماه را پول بگیرند

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم که بنده خیلی تعجب میکنم
همکار محترم خودم آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - هیچ تعجب نکنید

روحی - که باستی بیک نفر نماینده کاملاً اعتماد داشته
باشند اگر ایشان طرف اعتماد نبودند وکیل نمی شدند
این اولاً

آقا سید یعقوب - نگفتم که طرف اعتماد نیستند کفیل
شهادت دو شاهد عادل میخواهد

دکتر سنگ - بنده حالا عرض میکنم

روحی - ثانیاً آقای دکتر سنگ اطلاع دارند میدانند
که ایشان کاملاً مریض اند و کسالت دارند

آقا سید یعقوب - ایشان اینجا نیستند چطور اطلاع
دارند ؟

روحی - بعلاوه شخص ایشان هم در مجلس خدمان
کرده اند گذشته از این آثار قلمی ایشان هم بجامعه خدمان
کرده است که در خور این هست که مجلس بایشان
این مرخصی را بدهد

آقا سید یعقوب - عجب دلیلی ؟

رئیس - رأی گرفته میشود ، آقایان که مرخصی دو

ماهه آقای دشتی را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد ، ماده واحده قرائت میشود

(این قسم قرائت شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه
میدهد که از بودجه هذمه السنه وزارت پست و تلگراف
مبلغ هفتاد هزار تومان بعنوان اعتبار متحرك وزارت پست و
تلگراف پرداخته و از بابت حقوق و اعتبارات مصوبه
آن وزارتخانه در حدود سنه مالی محسوب دارد

رئیس - آقای کازرون

کازرون - بنده اصولاً هر پولی را بهر عنوان برای
اصلاح یا توسعه وزارت پست و تلگراف بدهند موافقم
و بایش هم معلوم است ، ولی اینکه بنده در تحت عنوان
مخالفت اجازه گرفتم می خواستم سؤال کنم که این پولی
را که بعنوان اعتبار متحرك میگیرند برای چه چیز است و
برای چه اصلاحاتی است ؟ و آیا ممکن است فرمایند که
این چه وقت اعاده میشود و چه وقت رد می کنند
یا خیر ؟

کفیل وزارت پست و تلگراف - آقای کازرونی

اگر توجه فرمایند در خود همین ماده نوشته شده است
که از بابت حقوق و اعتبارات مصوبه آن وزارت خانه
در حدود سنه مالی محسوب دارد - ما يك بودجه ای
داریم که البته صورت تفصیلی آن بنظر آقایان میرسد
که اقلام خیلی زیادی دارد در حدود ۱۹۴۷۰۰۰ تومان
در این اقلام زیاد بعضی مخارج است که آنها را

نمیشود ماه ماه معطل و معوق گذاشت و مخارجش را
تعطیل کرد مثلاً ما تپهدانی در مقابل کنترانی ها و در
مقابل دفاتر بین المللی داریم و يك اضافه بارهائی داریم
که لازم است يك اعتبار متحرك داشته باشیم مثلاً توضیحاً
عرض میکنم که يك نفر سورچی باید فردا دو خروار از
بوشهر حمل کند باین جا و يك مرتبه تلگراف برسد
که دوازده خروار بار اینجا حاضر است و موجود
است و برای آن اتومبیل و اتوبوس باید کرایه کرد
و این را نمیشود گذاشت برای يك موقعی که درخواستش
پیشنهاد بشود و رود بوزارت مالیه و بعد از چندی
حواله اش صادر بشود بعلاوه برای اینکه خاطر آقایان
محترم کاملاً مسهوق و مستحضر باشد و از جزئیاتش کاملاً
اطلاع پیدا کنند مخصوصاً چند قلم آن را که بطور
ماهیهانه باید پرداخته شود استخراج و یاد داشت کرده ام
از آن صورت کلی که حالا بعرض میرسانم : در قسمت
تلگراف : قیمت علق بلامانی که زیر سیم میرند :
ماهی ۱۹۰۰ تومان است الان در خیلی از قسمت ها
ماسیم کشی داریم مخصوصاً در قسمت آذربایجان و استرآباد
و اردبیل و آستارا و کردستان و اطراف اینها که هر
روز غلامان باید فوق العاده بگیرند و علق بخزند و این
نظر و آنطرف بروند و اینهارا نمیشود گذاشت برای آخر ماده دیگر
این یکی ، یکی دیگر يك کرایه برای دفاتر تلگرافی ما
داریم که ۹۲۶ تومان خرجش است که باید هر ماه
باصحابان خانه ها بدهیم مخارج مسافرت داریم ، مستخدمین
جزء ماهی ده تومان و پنج تومان و شش تومان داریم
که باید بدهیم تقریباً اینها هفت هزار تومان است
حمل و نقل داریم که باید بسورچی ها بدهیم مال شهر و
نواحی که ماهی ۴۱۱۲ تومان است ، آهن ساز و نجار
و اینها هستند که مشغول کار حمل و نقل هستند و ماهی
۱۰۰۰ تومان بودجه دارند ، بعلاوه رای فی سیم و
هوا پیمائی ما مخارجی داریم و مستخدمین داریم که اغلب
کنترانی هستند چه در ولایات و چه در این جا که

بیش از سی تومان حقوق نمیگیرند و برای پیشرفت کار باید هشتاد داد اینها را ماهی ۳۳۰۰ تومان می دهیم از این قبیل مخارج خیلی است مخصوصاً برای اضافه بارها در حدود ۹۰۰۰ یا ۱۰۰۰۰ خرج داریم که اینها را نمیشود منتظر شد تا تصویب بودجه که بعد از تصویب بودجه برود بوزارت مالیه و به فورمالیته بگذرد و بعد از مدتی داده شود. این پولی را که ما حالا میگیریم قرض است و در آخر دوره مالی میدهیم و برای اطلاع آقایان عرض میکنم که تمام این مخارجی هم که میشود این طور نیست که بدست خودمان باشد درست است که اعتبار متحرک است ولی باز با نظارت وزارت مالیه خواهد بود و اگر در فلان ولایت ۱۰ تومان بفلان مستخدم میدهیم باید با نظر و تصدیق وزارت مالیه باشد جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید .

آقا سید یعقوب - مخالفت بنده نه از حیث بیانات آقای کفیل است . خیر بلکه مخالفت بنده از این نظر است که مجلس شورای ملی را متوجه کنم بان که تا این لوائح هست دولت حاضر نیست بودجه اش را تعقیب کند و بگذراند بنده ممکن است که مخالفم را پس بگیرم لکن اینکه عرض میکنم برای این است که آقایان مستحضر شوند که دولت نه در کمیسیون بودجه می آید و نه در مجلس تعقیب میکنند بودجه اش را سال دارد تمام میشود . ما وظیفه نمایندگی مان را باید ادا کنیم بنده خواستم این جا تذکر بدم باقای کفیل که ما باید يك چیزی را وثیقه نگه داریم تا دولت بیاید و بودجه خودش را تعقیب کند و الا بودجه نمی گذرد ما در کمیسیون يك صرفه جوئی هائمی کردیم ولی دولت تکلیف خودش را در این نمیداند که بیاید و بودجه مملکتی را بگذراند تا آن صرفه جوئی که ما کردیم برگردد بخزانة مملکت و میخواهد تا آخر سال همینطور دوازدهم دوازدهم

بیاورد و بودجه را نگذراند بنده خواستم به عرض مجلس برسانم که ما در کمیسیون صرفه جوئی کردیم قریب يك درود تومان ولی دولت نمیکخواهد آن صرفه جوئی بخزانة مملکت برگردد و محض استحضار خاطر آقایان عرض کردم . ولی حالا ممکن است مخالفم را مسترد کنم فقط خواستم عرض کنم که دولت بودجه اش را تعقیب نمی کند .

رئیس - دیگر رأی نباید گرفت ؟

آقا سید یعقوب - خیر پس گرفتم - اگر پس نگیرم چه بکنم ؟... (خنده نمایندگان)

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(این قسم قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود ۵۰۰۰۰۰ تومان فیروز آبادی - بنده خیلی متأسفم که می بینم اینهم يك صورت دیگری است که دارد در مجلس شورای ملی پیدا میشود اگر يك وقت هم که نشد بودجه بیاید بمجلس ماه بماه اعتبار متحرک می آیند و میگذرانند و تفکیک در مخارج میکنند . خیلی غریب است تا حالا دوازدهم بود حالا اینطور میشود و معلوم هم نیست که کی بودجه می آید ؟ بنده با این تزییبات مخالف هستم . با آن اطمینانی که باقای کفالت دارم و میدانم تا لازم نبود ایشان اینکار را نمیکردند و از این جهت مطمئن هستم ولی برای اینکه بعد از این هر وزیری از این پیشنهادها دیگر بمجلس بیاورد این پیشنهاد را کردم گذشته از این سابق بر این لایحه که آمده بود پنجاه هزار تومان بود بعد هفتاد هزار تومان شد و هفتاد هزار تومان هم بعقیده بنده خیلی زیاد است دکتر طاهری مخیر کمیسیون بودجه - اینکه راجع به بودجه ها فرمودند بودجه از کمیسیون گذشته است و بمجلس هر روز که تقاضا کنند جزو دستور میشود و آقایان نمایندگان نباید زود از دستور خارج کنند و الا از طرف کمیسیون کوناهمی نشده . بودجه معارف گذشته سایر بودجه ها هم در شرف تصویب است . ولی موضوعی

که راجع به پنجاه هزار تومان و هفتاد هزار تومان فرمودند خود دولت در کمیسیون تقاضا کرد که هفتاد هزار تومان بشود و الا کمیسیون هیچوقت پیشنهاد اضافه نمیکند بعلاوه توضیحاً عرض میکنم که این يك چیز جدیدی نیست که داده میشود سابقه دارد در دوره چهارم هم سابقه داشته دوست و چهل هزار تومان دادند برای همین مصارفی که آقای کفیل حالا اشاره کردند که يك چیزهای فوری و فوری هست که لازم است خرج شود و نمیشود صبر کنند تا موقعی که بودجه مملکتی بگذرد با در دوازدهم بگذرد و این در واقع يك کار کشائی است برای وزارت پست و تلگراف و مستخدمین آن جا در هر صورت بنده پیشنهاد ایشان را راجع به پنجاه هزار تومان نمی توانم قبول کنم

رئیس - رأی گرفته میشود باین پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(دوسه نفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای اعتبار

(بشرح ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را بماده واحده پیشنهاد میکنم ؛
وزارت پست و تلگراف مکلف است ۶ هزار تومان از هفتاد هزار تومان مزبور را به تلگراف خانه و پستخانه مقرر تخصیص دهد .

اعتبار - پستخانه مرکز (که آقایان ملاحظه فرموده اند که اعضاء پست در این سیاه چال زندگی میکنند) بمینطور تلگراف خانه مرکزی طهران که بنده مطلع هستم فوق العاده بداشتن يك همچو اعتباری احتیاج دارند سابقه هم داشته است ولی وزارت مالیه بواسطه بعضی اشکالات مالی جلو گیری کرد حالا برای اینکه در تقسیم این اعتبار اشکالی نشود این بود که بنده خواستم این مبلغ جزئی باین دو نقطه مهم اختصاص داده شود که بتوانند احتیاجات خودشان را رفع کنند و در ماده هم قید شده باشد .

کفیل وزارت پست و تلگراف - همانطوریکه این جا در جزو ارقام خواندم برای تلگرافخانه تقریباً هفت هزار تومان در نظر گرفته شده و برای پستخانه هم تقریباً نه هزار تومان و کمان میکنم که علاوه هم بشود و چون جزئیاتش در نظرم نیست بنده اطمینان میدهم که هم از برای پست مرکز و هم از برای تلگرافخانه مرکز قدری که ممکن است اعتباری تخصیص داده میشود .

اعتبار - بنده پس گرفتم

رئیس - رأی گرفته می شود بماده واحده با اوراق

آقایان که تصویب میکنند اوراق سفید خواهند داد (اخذ و استخراج آراء بعمل آمده و ۷۲ ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضر ۹۱ با ۷۲ رأی تصویب شد .

اسامی موافقین

- آقایان: افسر - اسعد - محمد آخوند - ثقة الاسلامی محمود رضا - احتشامزاده - حیدری - عصر انقلاب - کی استوان - دادگر - کازرونی - نوبخت - دکتر سنک کلانی - بامداد - عمادی - ملک مدنی - خطیبی - بهبهانی - بدر - لیقوانی - حاج آقا حسین - طباطبائی دیبا - عباس میرزا - ایلخان - میرزا عبدالحسین - جلائی - طاهری - روحی - سید حسین آقایان - جمشیدی اعتبار - دهستان - حقنویس - شریعت زاده - میرزا عبد الله خان ونوق - یاسائی - وزیری - مهدوی - ملک ابرج پور تیمور - انجمی - معظمی - ساکنیان - استر آبادی - محمدولیمیرزا - خواجوی - عدل - عراقی خوئی - جهانشاهی - مولوی - امام جمعه اهر - آقا زاده سبزواری - سید کاظم - نکهبان - مفتی - پالیزی - دولتشاهی - بجی خان زنگنه - زوار - اسکندر خان مقدم - دیوان بیکی - ملک آرائی - ابراهیمی - موقر میرنماز - دکتر رفیع امین - اسکندری - دکتر مصدق افشار - فهیمی - فرهمند

رئیس -- پیشنهاد چند نفر از آقایان نمایندگان :
(این قسم قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی
این جانبان تقاضا داریم طرح تقدیمی دابر به واگذاری
قراولخانهای شهر تبریز به بلدیہ مستقیماً در مجلس
شورای ملی مطرح و بیک فوریت آن اخذ رأی شده
بکمیسون مربوطه ارجاع گردد ، عدل - مولوی - دکتر
رفیع امین - لبقوائی - جواد امامی - ثقة الاسلامی
رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود خاطر آقایان نمایندگان مسبوق
است که در شهر های ایران پائیس نبوده است
و حفاظت شهر با قشون بود آن وقت بک قراولخانهای
در شهرها در همه ولایات ساخته اند بعد که اداره نظمیہ
تشکیل شده است آن قراولخانها خالی مانده است بعد
مزبله شده است و در وسط شهر مزبله های زیادی
هست که خالصه دولتست و مال دولتست و همین طور
مانده است (یعنی آن وقت مال دولت بوده است ولی
حقیقه مال بلدیہ است) و حالا در تصرف مالیه
است مخصوصاً راجع بشهر تبریز ما تقاضا کردیم
که این قراولخانهای که در خیابانهای شهر هست
و اسباب کثافت است اینها را واگذارند ببلدیہ تا آنجا
هاییکه می افتد توی شارع عام بیفتند و راهها وسیع بشود
و برای عبور و مرور بک تسهیلاتی بشود و آنجا هایی
هم که از جاده کنار است مستغلاتی بسازند که از عایدات
آن ککی ببلدیہ شود و استدعا میکنیم آقایان اگر ضروری
نمیدانند اینرا زودتر تصویب فرمایند که این کثافات وسط
شهر که اسباب امراض مسریه است رفع شود

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم بنده با این لایحه مخالفی
ندارم ولی اصولاً وقتی بک دستوری برای مجلس معین
میشود و مخصوصاً بک لایحه مهمی هم که جزء دستور

شده است بنده معتقد نیستم که آن لایحه را ما تاخیر
بیندازیم و چیزیکه فکرمان روی آن هنوز حاضر نشده
است مطرح مذاکره بشود بنده از آقای عدل هم تقاضا
میکم که آقایان هم موافقت فرمایند که این لایحه خالصه
انتقالی که محل احتیاج و ابتلاست این را شور اولش را
بگذرانیم بعد وارد این جور لوایح بشویم

رئیس - رأی گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانیکه
تصویب میکنند این طرح جزء دستور شود قیام فرمایند
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . قرائت میشود .
(این طور خوانده شد)

نظر به توسعه که شهر تبریز پیدا کرده است برای
نامین احتیاجات عمومی و نظافت شهری و سهولت ارتباط
بین محلات مختلفه قراولخانهای قدیمه و اراضی آن که
دیگر طرف هیچگونه احتیاج نیستند و فقط منبع زباله
و خاک روبه را تشکیل میدهند به دولت اجازه داده
شود آنها را به ملکیت بلدیہ منتقل و واگذار نمایند .
ماده واحده - دولت مجاز است قراولخانهای قدیمه
واقعه در داخله محلات شهر تبریز را برای تاسیس
مؤسسات عام المنفعه از قبیل رخت شوی خانه و باغچه
و غیره به ملکیت شهر واگذار و همچنین اراضی
میدان سرباز خانه سابق را که در داخل شهر واقع
متصرفی ندارد برای ایجاد خیابان و باغ ملی و مازاد آن
اراضی را ببلدیہ مجاز خواهد بود بطریق مزایده بفروش
برساند (تا مادامیکه قانون بلدی نگذشته در تحت نظارت
مالیه) و از حاصل فروش تاسیس بک باب مرید خانه
عمومی بجای بدارد .

رئیس - مذاکراتی میشود راجع بقابل توجه بودن

است . آقای روحی

روحی - عرض کنم که بنده مخالفی ندارم و آرزو
میکم که همه بلدیہ های شهرها واقعاً بسط و جام

بشود و رفع احتیاجات هر شهری را بکنند ولی بنده
با تبعیض مخالفم ، در تمام شهر های ایران قراولخانه
هست همه جا هم بلدیہ دارد .

ثقة الاسلامی - شما هم پیشنهاد بکنید

روحی - نامل بفرمائید ، بک قدری صبر کنید
پیشنهادش را هم میدهم عجله نکنید ، بعلاوه بنده
درین لایحه بک عیبی می بینم و آن این است که
نظر دولت باید جلب شود و آن بسته بوقتی است که
بکمیسون رفت این نظر جلب شود و عقیده بنده این
است که در قانون بلدیہ که هفت ماده اش مانده است
عین این امر پیشبینی شده است تمام اماکن شهری که
مال دولتست از اراضی و قراولخانها و میدانها و غیر ذالک
همه را واگذار کنند ببلدیہ هر جائی من عقیده دارم
عرض این آقایان موافقت فرمایند قانون بلدیہ بیاید
و بگذرد و در اینجا مال کرمان و تبریز و یزد تمام اینها
تأمین شود اینکه بطور مستقل و استثناء قراولخانهای
شهر تبریز را ببلدیہ اش واگذارند بچه جهت است ؟
بنده با تبعیض مخالف هستم و از نمایندگان محترم تبریز
تقاضا میکنم مساعدت فرمایند که این هشت ماده
هفت ماده دیگر قانون بلدیہ را بگذرانیم اگر این ماده
پس یعنی شده است که بسیار خوب و اگر پیشبینی نشده
است پیشنهاد کنیم که زمینها و قراولخانها و میدانها
در هر چه از این قبیل که در شهرها هست و مال
دولتست و واگذار کنند ببلدیہ ها و بنده با این طور
استثنا و تبعیض مخالفم حتی آن پولهایی که ببلدیہ ها
دادند مثل اصفهان و سایر جاها بنده آن وقت نبودم
والا مخالفت میکردم نظرم اینست که مجلس نسبت به
تمام شهرهای ایران باید نظر مساوی داشته باشد و بعموم
افراد مملکت بیک چشم نگاه کند

جلالی - اصفهان مال خودش را برده است آقا

رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرضی ندارم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعتزاده - گرچه اظهاراتی که نماینده محترم آقای
روحی فرمودند مبنی بر بک اصلی بود که قابل تقدیر
است در عین حال بنده معتقد هستم که برداشتن بک
قدیمی راجع بواگذاری این قبیل اراضی ببلدیہ تبریز
خودش هم مخالف این اصل نیست قدیمی است برای پیشرفت
این اصل که راجع بواگذاری اراضی متعلق بدولت
بشهرهاست بنابراین بنده تصور میکنم که این مطلب چون
مربوط بیک قدم مهمی است آقایان موافقت نمایند
ممکن است در ضمن اجرای همین لایحه آن نظر عمومی
آقایان دیگر هم تأمین بشود و بنابراین بنده موافقم با
این طرح

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده هم موافقم

رئیس - آقای افشار

افشار - موافقم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافیتست

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفته شد : خیر)

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن

طرحی که قرائت شد آقایانی که قابل توجه می دانند
قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد فوریت قسم اول مطرح

است مخالفی ندارد؟

دکتر طاهری - بکمیسون مراجعه میشود؟

رئیس - عرض کردم فوریت قسم اول بک شوری

بودنش مخالفی ندارد؟

میرزا سید احمد خان اعتبار - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

اعتبار - عرض کنم که زائد بر آنچه که آقای روحی دلیل آوردند بنده دیگر لازم نمیدانم در این خصوص بیانات بکنم ولی البته از نقطه نظر اینکه اصولاً يك طرحیست مفید و در قانون بلدی هم پیش بینی شده است تصور می کنم همین قدر که مجلس رأی داد بقبایل توجه بودنش بکمسیون ارجاع شود و موقعی که بکمسیون ارجاع میشود اولاً بایستی نظر دولت درین موضوع معلوم شود و ثانیاً باینکه در قانون بلدی این موضوع پیش بینی شده است کجا میکنم با تسریع يك همچو قانونی از مجلس بگذرد (و حال آنکه برای تمام مملکت پیش بینی شده یا میشود) مورد نداشته باشد . خوب است همین قدر که مجلس و نمایندگان محترم موافقت کردند کافی باشد برای اینکه بکمسیون برود و در کمسیون در قسمتهای مختلفه اش رسیدگی بشود و دو باره بمجلس بیاید .

رئیس - آقای محدودی میرزا

محدودی میرزا - تصور میکنم مخالفت آقا مورد نداشته باشد زیرا در رأی دادن رأی بچه میدهیم ، بالاخره خواهد رفت بیک کمیسونی ، بکمسیون مربوطه و در آنجا نماینده محترم دولت حضور پیدا خواهد کرد و نظر نماینده دولت باین پیشنهاد و این طرح جلب خواهد شد و این طرح دو مرتبه بر میگردد بمجلس برای تصویب و بدون اینکه برود بکمسیون و جلب نظر نماینده محترم دولت بشود دیگر رأی نماند که خیال میکنند گرفته شود نمیشود پس تصور میکنم از این نقطه نظر کاملاً نظر نماینده محترم محفوظ باشد از نقطه نظر دیگری هم که تأیید فرمودند فرمایشات آقای روحی را آن را هم بنده نمی خواهم داخل مذاکره بشوم زیرا بیانات آقای شریعت زاده کاملاً کافی بوده است و تصور میکنم نظر

موافقت مجلس کاملاً متظاهر شده است

بعضی از نمایندگان - کافیت

رئیس - رای گرفته میشود بفوریت یکشوری آقایان

که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد پیشنهادی شده است کجا می

نمیکم مورد داشته باشد

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تمام قراولخانههای شهر ها که طرف

استفاده دولت نیست ببلدیها واگذار نمایند

(افسر شریعتزاده . روحی ، حسین جلالی)

رئیس - وقتیکه در اصل مطلب مذاکره میشود این

پیشنهاد باید بشود ولی اینجا کجا نمیکم مورد داشته باشد

بعضی از نمایندگان - صحیح است

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید؟ سؤالی دارم به

کدام کمسیون رجوع میشود؟

رئیس - بکمسیون قوانین مالیه

بعضی از نمایندگان - کمسیون داخله

رئیس - راجع بانقال ملک دولت است کجا می

بکمسیون قوانین مالیه باید برود

نمایندگان - صحیح است

رئیس - ماده اول لایحه خالصجات انتقالی مطرح

است ، آقای بامداد

بامداد - بنده موافقم .

رئیس - آقای حاج شیخ بیات

امامی - مذاکرات در ماده اول کافی شد .

حاج شیخ بیات - خیر کجا کافی شده است بنده

راجع بماده اول کجا میکنم این ماده اول که تنظیم شده

است که از طرف کمسیون و تقدیم مجلس شورای ملی

شده است يك نواقصی داشته باشد برای اینکه اینجا

می نویسد (خالصجات انتقالی املاک است که

ملك متصرفی دولت بوده و بعد بتصرف اشخاص درآمده

است املاك مزبور در صورت داشتن یکی از شرایط ذیل

خالصه انتقالی ملكی متصرفین شناخته میشود ، درین

ماده اول بمقیده بنده دو قید باید برایش تعیین کنیم چرا

از برای اینکه يك ماده کشداری بدست قوه مجریه ندهیم

که اسباب زحمت مردم بشود ، نسبت بخالصجات انتقالی

یعنی اشخاصی که يك دسته خالصجات انتقالی را متصرف

هستند نسبت بآنها يك حدودی در این جا معین شده و

ملاحظه شده است که کاملاً مورد اطمینان است ولی

البته آقایان تصدیق میفرمایند (مخصوصاً در اجرای قانون

بیزی این مسئله خوب واضح شد) که در موقعی که

مأمورین مالیه میرفتند بولایات برای همیاری را

که میدیدند این ملک مالیاتش ممکن است از مالیات سابق

کتر بشود فوری میگفتند ما ظن خالصگی باین ملک داریم

و این ظن خالصگی بالاخره يك دعوائی درست میکرد

این دولت و مردم و همین قضیه باعث شده که آن املاک

بیزی نشده است و بد بخت از آن وجهه نظری هم که

داشت که ملک خودش را آباد کند همینطور مانده که

چه بکنند درین لایحه این قسمت پیش بینی نشده دولت

نسبت بخالصجات انتقالی يك دفاتر مختلفی و متشقی دارد

و لا وقتی مراجعه بفرمائید بيك دفتر خالصه می بینید

جمع بيك دهی مینویسد پنج خروار از این ده موقوفه

تری است چهار خروار از این ده مال خالصه صفویه است

و فردش خالصه شاه عباسی است بالاخره يك رقبات متعدد

متکلف متشقی در مالیه هست که اگر دولت

خواهد مراجعه کند بکلیه آن دفاتر و از روی آنها

استخراج کند و تعیین بکند موارد خالصجات انتقالی را

ام املاک ایران خالصه خواهد بود

کازرونی - حالا هم همین طور است دارد ادعا میکند

حاج شیخ بیات - اینست که بنده عقیده ام اینست

مدرین ماده اول باید يك حدودی برای جلوگیری ازین

نظریه از طرف مالیه درین لایحه تنظیم شود و نوشته

شده

شود ، ملاحظه بفرمائید املاکی که مثلاً از زمان

ناصرالدین شاه مردم واگذار شده است مجلس آن املاک

را خالصه انتقالی میداند و تشخیص میدهد و میگوید

مالیه که این لایحه را نسبت بآن املاک اجرا کند یا

فرض کنید ده سال قبل از آن یا پنج سال بعد از آن ،

مقصودم اینست در قسمت املاک اربانی باید درین جا

يك نظریه ای بشود و يك حدودی قائل بشویم تا بتوانیم

مردم را از شر مالیه حفظ کنیم و الا همین قدر که

این اجازه را ما بمالیه دادیم فردا يك صورت بالابندی

مالیه از روی دفاتر پانصد سال ، چهار صد سال پیش

استخراج میکنند و تمام املاک مردم را میچسبند که

خالصه است بالاخره این دعوی يك دعوائی میشود که تمام

مردم را زحمت میاندازد از آن طرف ما آمده ایم که دفع شری از

خالصجات انتقالی نکنیم يك شری نسبت باملاک اربانی

ایجاد کرده ایم اینست که بنده دو سه روز قبل هم شرحی

خدمت آقای مخبر در تنفس در اینموضوع عرض کردم

که بایستی در قسمت محدود شدن خالصجات انتقالی يك

حدودی در این لایحه تنظیم شود که معلوم شود مقصود

از خالصجات انتقالی که ما اجازه میدهیم بدولت که

این عمل را نسبت بآنها بکند مقصود این نیست که فردا

فلان بجز فلان مأمور مالیه برود آنجا بگوید مثلاً

چوچین یا فلان ده را من ظن خالصگی بهش دارم و تمام

مأمورین مالیه در ولایات شروع بکنند باین قسمت و آسایش

عمومی را از مردم بکلی سلب کنند نظریه نمایندگان

محترم این است که خالصجات انتقالی را در حقیقت دفع

شر ازشان بکنیم ولی با این ترتیب علاوه بر این که ما

نتوانسته ایم دفع شری از یکدهه بکنیم ایجاد يك شری هم

برای سایر مردم کرده ایم اینست که بنده معتمد آقایان

اعضاء کمسیون و مخصوصاً آقای مخبر در اینموضوع نظریه ای

بفرمایند و يك حدودی برای این مسئله قائل شوند

آقا سید یعقوب - مذاکرات کافی است

کازرونی - کافی نیست

رئیس - آقای بامداد

دولت بوده است بعد منتقل شده است و علامت مالکیت هم این است که با سی سال در دستش باشد ولو مورد تعرض شده باشد یا بیست سال بدون تعرض پس این محدود است اولش معلوم آخرش معلوم نه کش دار است نه ذواحمالات. البته در ممیزی اشخاصی که متصدی شده اند (و تمام دادها هم از بدی اجراست) یعنی بجزها میگویند من ظن خالصکی دارم و این ظن خالصکی خیلی صده به ملک و مالا میزند و جلو آبادی ملک را میگیرد و مالک نمیتواند معاملات در آن ملک بکند این لایحه برای رفع این سوء ظن است و میخواهد بگوید یک جهت باشد وقتی که این عمل شد و بعد از تصویب دیگر هیچ امین مالیه نمیتواند بگوید من ظن خالصکی دارم این لایحه میخواهد این ظن را رفع کند بنا بر این لایحه خیلی صریح است هم طرف مردم را گرفته و هم طرف دولت را گرفته است و هم کش دار نیست. بیست سال و سی سال را میزان قرار داده است که مشمولین این قانون مالک میشوند. ماده تصریح دارد سی سال و بیست سال. اگر آمدند دفاتر نهصد سال پیش را باز کردند خوب بیخود باز میکنند که ما در فلان دفتر از نهصد سال پیش یا مثلا زمان تیمورها یا صفویه اینجا اسم این ملک در دفتر ثبت شده بعنوان خالصکی. حالا وقتی که محدود شد به بیست سال و سی سال دیگر جا ندارد که دفتر نهصد سال پیش را باز بکنند. بعلاوه ممکن است زودتر هم تصویب بکنید که دیگر الان هم نتوانند حرف زنند در محل ' پس بنا بر این بنده عقیده ام این است که باید یکقدری عادلانه در قضا با نگاه کرد این خالصه مال کبست مال خزانه عمومی است باید مردم را هم مرفه کرد رفاهیت مردم بچه طور است؟ باید دولت بکلی قطع بد بکند اما با یک معامله مخصوصی که در مورد سوم و چهارم هست. و از آنطرف هم باید ما منافع دولت را که عین منافع مردم است حفظ بکنیم و یکقدری تند روی و افراط و تفریط هم نکنیم

رئیس - آقای باستانی

باستانی - بنده قبلاً عرض کردم با اطلاعاتی که همه نمایندگان محترم از طرز عمل وزارت مالیه در اداره خالصجات دارند ما اگر این قانون را باین نحو بگذرانیم بیشتر اسباب زحمت مردم میشود. آقای بامداد دقت بفرمایند که مفاد این ماده چیست؟ مفاد این ماده این است که مطابق رقبات و دفاتر پوسیده اصل این است که تمام املاک مردم مال دولت است مگر اینکه مردم بدبخت بروند ثابت کنند بیست سال سی سال را که مال ما است و اگر یک روز کم شود مطابق همین قانون باید مردم ملکشان را بدهند به مالیه مالکیت را امریکائی ها در این مملکت منززل کردند یکی از کارهای بد آنها این بود که در تمام قضا با مالیه خودش قاضی بود و خودش هم مدعی بود و بالاخره اصل تصرف را منززل کرد (صحیح است) و ما که همیشه طرفدار زراعت و فلاح و اینها هستیم نباید یک کار هائی بکنیم که مردم را دلسرد بکنیم و املاکشان را تصرف کنیم. ما که بالشوبک نشده ایم و قتیکه بالشوبک شدیم باید املاک را تصرف کنیم...

حاج آقا رضا رفیع - هیچوقت هم نمیشویم.

باستانی - بالاخره شما حق ندارید بگوئید املاک

مردم مال خزانه است! خیر آقا ملک مردم است خریده است دست بدست گذشته است معاملات زیادی روی این املاک شده در تصرف مردم است چطور میتوان گفت مال دولت است! خالصجات دولتی که در تصرف دولت است مال دولت است مال خزانه است. خالصجات انتقالی را دولت انتقال داده است مال دولت نیست فروخته است و دولت حق مزاحمه ندارد بالاخره لغت هائی جعل کرده اند که مالیات غیر از منال است خیلی خوب ما هر چه گفتیم منال مالیات است میگویند خیر! در صورتیکه بنده نمی فهمم تفاوت این حرفها در کجاست؟ از دفاتر کهنه و پوسیده این اصطلاحات راجع کرده اند؟ باز میگویند خالصه حسب المقطعی غیر از

خالصه انتقالی است. خالصه حسب المقطعی باز یک لغتی است که یکی دو سال است اختراع شده در هر حال اگر شما این قانون را باین ترتیب بگذرانید بالاخره بگوئید که اینها خالصه انتقالی است باز وزارت مالیه میگوید این خالصجات حسب المقطعی است و در قانون چون پیش بینی نشده است بنا بر این باید در تصرف دولت باشد و این بد است در هر صورت بنده قبلاً هم عرض کردم که از نقطه نظر رفاهیت مردم باید خالصجات انتقالی را ملک متصرفینش دانست که بروند بدارند مگر آن ملک هائی را که از زمان خیلی نزدیک ثابت شود دولت در آنها یک تصرفاتی داشته است دولت معاوضه کرده است و مردم مال دولت را برده اند ولی بطور کلی اگر بگویند املاکی که در رقبات دولتی اسمش ثبت است خالصه انتقالی است بعقیده بنده مضر است. بنده این حرف را الان اینجا میزنم و شما را شاهد میگیرم که در رقبات دولتی (ولو اینکه شاید یک عده هم بدبخت بشوند) نوشته است بسطام خالصه است و اگر این حرف را بسطامی ها بشنوند رانسی رانسی از آن شوق و رغبتی که بفلاح دارند منصرف میشوند آنها هنوز نشنیده اند ولی من میدانم در رقبه ای که مال دوست سیصد سال قبل است چنین چیزی هست حالا بینی و بین الله باید گفت که وزارت مالیه برود با بسطامی ها معاوضه بکند که چه شده است که بسطام در دوست سال پیش از این در صورت رقبات و دفاتر کهنه رفته است؟ شما خوب است بان دفاتر و رقبات مراجعه بکنید به بینید چه خبر است. در نلک دهات اصفهان نوبی آن رقبه است تمام دهات همدان نوبی آن رقبه است ما اجازه بدهیم که دولت برود گل آویز بشود با تمام اهالی این مملکت؟! اینکار خوب نیست و خطرناک است بالاخره شما از نقطه نظر حال مردم و رعایا و دهاقین یکقدری بیشتر مطالعه بکنید مگر شما خیال میکنید که تمام خالصجات انتقالی دست ملاکین است؟! خیر دست خرده مالک هم هست

نقل و انتقال های زیادی شده است
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - حقیقه بیانات آقای باستانی که فرمودند بسطامی ها همچو هستند و وای بحال ایران خیلی غریب است. عرض کنم خدمت شما اصلاً راجع به خالصجات انتقالی از وقتی که مجلس شورای ملی تاسیس شده است که الان ششمین دوره آن است وقت بفرمائید ببینید چه در کمیسیون عرایض و چه در خود مجلس چقدر شکایت از طرف آهائی که خالصجات انتقالی دارند شده است از دوره دوم مجلس و دولت در خیال بودند که این مسئله خالصه انتقالی را در تحت يك قانون مرتب کنند خیلی خوب حالا ما نمیگوئیم قانون باید تمام مراد افراد یعنی مراد هر فرد فردی را عطا کند مراد اشخاص متناقض است يك مراد این است که هیچ عنوان خالصه انتقالی در بین نباشد چنانچه آقای باستانی میفرمایند باید مثل ملك اربانی صدسه ونیم بشود. این يك عقیده است. عقیده آقای کازرون این است که این حرفها چه چیز است، این املاکی که بعنوان خالصه انتقالی در دوره های استبداد و در دربارها به صد اشرفی یا پنجاه اشرفی برده اند باید از بین رود و بر گردد بدولت. این ها يك مرادها و يك نظریه هائی است که باید بین این دو نظر را اتخاذ کرد و يك قدم برای اصلاح این کار برداشت. این اولین نظریه بوده است که در ادوار دوم و سوم و چهارم و پنجم بوده تا حالا که دوره ششم است این مسئله عملی شده است و دولت يك لایحه آورده است برای اصلاح اینکار حالا ماده اولش هم مطرح است آقای کازرون يك نظریه ای دارند پیشنهاد بکنند. آقای باستانی هم نظریه ای دارند پیشنهاد بکنند. آیا نظر این است که بکلی این لایحه از بین رود و هیچ مطرح نشود و این اصلاحی که در نظر گرفته شده که يك قدم اصلاحی نسبت باینها برداشته شود میخواهید این نظر از بین برود؟ بقیناً نظر آن که این

نیست. شما و آقای باستانی نظری دارید که مثلاً چه زینب باشد پیشنهاد بکنید، پیشنهاد های زیادی می آید و ما هم امیدوار هستیم که از این پیشنهادها غرضان عملی بشود عقب پیشنهاد خود مان می رویم در کمیسیون نظریات خودمان را میگوئیم و تعقیب میشود مجلس می آید. بنده اینجا متصل همین مسئله را میگویم. هم آقای باستانی آروز فرمودند و هم بنده آروز همین عرایض را کردم باز هم تکرار بر مکررات حاصل میشود شور اول است لایحه دو شوری است قانون بما حق داده است هر چیزی که بخواهیم بتوانیم در شور اول پیشنهاد بکنیم بعد برود به کمیسیون این لایحه اساساً دو شوری است. اما يك چیز هائی راجع به بیانات آقای بامداد فرمودند: من هر چه گوش دادم آقای بامداد نکفت که ما بیائیم تمام املاک مردم را بدولت بدهیم! بنده که همچو چیزی شنیدم و همچو عقیده ای هم ایشان ندارند (بامداد - صحیح است) همچو حرفی زدند و همچو عقیده ای هم نمیتوانند داشته باشند (صحیح است). ایشان گفتند این ماده اول نوشته است که خالصه انتقالی که در رقبات دولت نوشته شده بچه اطلاق میشود؟ خالصه انتقالی اطلاق می شود و مسمی است بآن ملکی که سی سال در تصرف متصرف بوده ولو اینکه محل تعرض دولت واقع شده باشد دیگر عنوان خالصه انتقالی از رویش بر داریم و ملك مالك قرار بدهیم این را آقای بامداد اظهار نکرد که ملك هر مالکی را از دستش بگیریم بعلاوه کی میشود در تحت فحوای این کلام ملك هر مالکی را از دست بگیریم؟ زیرا اولاً این دولت ما يك چنین دولتی نیست! این قانون اساسی رساله عملش است و تکلیف او را معین کرده است و بر فرض هم که يك وکیل افراطی باشد و در مجلس بگوید چه اثر دارد؟! قانون اساسی حقوق دولت و ملت را معین کرده است. ثانیاً اینکه ماده اول می آید لفظ را تعریف میکند. مثل اینکه اول منطبق تعریف میکند الانسان حیوان ناطق، اینجا هم میگوید خالصه انتقالی بچه چیز

میگویند بآن چیزی که سی سال در تصرف بوده ولو محل اغراض هم بوده باشد بنده میگویم اسم این خالصه انتقالی را هم بردارید اگر سی سال گذشته که در تصرف مالك است ملك متصرفی مالك حساب بکنید. پس بنده باز بحال نضرع و التماس عرض میکنم که آقایان موافقت بکنند و نظریاتی که دارند چون شور اول است پیشنهاد بفرمایند ما عقیده مان این است که موفق بشویم در این دوره این لایحه را از مجلس بيك طریق عادلانه ای بگذرانیم. موافقت کنند که شور در مواد تمام بشود ما هم که آزادیم هر قدر که میخواهیم پیشنهاد کنیم بعد در شور ثان تصویب کنیم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
کازرونی - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید

کازرون - عرض کنم علت اینکه بنده با کفایت مذاکرات مخالفم این است که دو مخالف حرف زدند که یکی طرف افراط دارد و یکی طرف تفریط و این دو تا برخلاف همدیگر هستند بنام معنی. آن وقت میگوئید که دو مخالف حرف زده است در صورتیکه اینطور نیست این مخالف باید بایستد در مقابل آن مخالف باید اینها هم جدا بشوند توضیحات داده شود که مقصود این مخالف و مقصود آن مخالف چیست! چون آن طور است که یکی طرف افراط و یکی طرف تفریط دارد یعنی يك کسی میگوید همینطور مردم بدهند برود يك کسی می گوید این طور نیست يك کسی میگوید من طرفدار رنجبرم در صورتیکه مقصود آن طرف هم همین است. اینها را من استدعا می کنم اجازه بدهند حرف زده شود با درست تشخیص داده شود و مطالب تشریح شود و الاخره بمغالطه نگذشته باشد.

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - آقای کازرونی برای مخالفت کردن يك شرایطی را پیشنهاد کردند که بیشتر شباهت داشت

به بیت القوه که دو نفر کشتی بگیر باید چه جور بایستند و چه جور در مقابل هم قوت کنند. آقا! این يك مسئله ایست دو شوری و فعلاً مطرح است بالاخره با اینطور مذاکره کردن امروز تمام نمی شود ما اهل علمیم باید کار کنیم، این لایحه میرود به کمیسیون و در آنجا مطالعه میشود و مطالب را می سنجند و دو باره در مجلس مورد شور واقع می شود و بالاخره رأی می گیریم و تمام میشود و اگر بنا باشد در اطراف این مسئله بخواهیم زیاد حرف بزیم فایده ندارد خوب است اجازه بفرمائید مذاکرات کافی شود و يك کار دیگر شروع کنیم.

رئیس - میخواهید اخذ رأی بماند برای بعد از
تنفس، چون عده هم کافی نیست.

جمعی از نمایندگان - صحیح است

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله
نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - رأی گرفته میشود به کفایت مذاکرات
ماده اول آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام
فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهادها قرائت میشود

(بنحو آئی خوانده شد)

پیشنهاد آقای مدرس

پیشنهاد میکنم ماده اول بطریق ذیل اوشته شود:
خالصه انتقالی املاکی است که قبلاً در تصرف دولت بوده و هر ساله عایدات مالکانه مطالبه و اخذ می نمودند و از تاریخ هزار و سیصد و قمری تا این تاریخ نقل بغیر شده و بتصرف اشخاص در آمده و فعلاً در تصرف آنهاست
پیشنهاد آقای امامی

بنده پیشنهاد می کنم ماده اول به ترتیب ذیل
نوشته شود:

ماده اول - خالصه انتقالی املاکی است که قبل از تاریخ هزار و سیصد قمری در تصرف دولت بوده و بعد به تصرف اشخاص درآمده است

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد می‌کنم در ماده اول سطر دوم عبارت (املاک مزبور در صورت داشتن یکی از شرایط ذیل خالصه انتقالی ملکی متصرفین شناخته میشود) تا آخر ماده حذف شود

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد می‌کنم قسمت اول ماده اول به ترتیب ذیل اصلاح شود

ماده اول - خالصه انتقالی املاکی است که بر طبق اسناد و مدارک صحیحه ملک متصرفی دولت بوده و بعد بتصرف اشخاص درآمده است

پیشنهاد آقای باستانی

بنده اصلاح ماده اول را بنحو ذیل پیشنهاد می‌کنم ماده اول - وزارت مالیه مکلف است کلیه املاکی را که بعنوان خالصجات انتقالی شناخته مانند سایر املاک اربابی ممیزی نموده صدی سه و نیم مالیات دریافت دارد پیشنهاد آقای روحی

شش دانگ خالصه انتقالی بیاض کرمان که مبلغ هفتصد و پنجاه و پنج تومان نقداً مالیات بده است و دودانگ خالصه انتقالی کبوتر خان که دوپست و نه تومان نقد و یکصد و پنجاه خروار مالیات بده است چون این دو فقره ملک را مرحوم نور الله خان کرمانی وقف بربک باب مریضخانه عمومی نموده پیشنهاد می‌نمایم از نظر تأمین خیرات عمومی بموجب ماده ششم کلیه معاف از هر نوع مالیات شود

بامداد اجازه می‌فرمائید ؟

رئیس - در بین قرائت پیشنهادات نمی شود مذاکره کرد . بامداد خواستم عرض کنم اگر آقایان موافقت بفرمائید

تمام این پیشنهاد را ببرند به کمیسیون و در آنجا مذاکره شود و سابقه هم دارد و الا اگر همه را بخواهیم بخوانیم خیلی وقت میخواهد

رئیس - مخالفی ندارد ؟

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم .

نابت - خواننده شود بعد برود بکمیسیون

رئیس - بقیه پیشنهادها هم قرائت میشود (بدین مضمون قرائت شد)

پیشنهاد آقای افسر

پیشنهاد می‌کنم که دعوی دولت بامتصرفین راجع به خالصه بودن یا ملکیت از این لایحه حذف و جزو سایر دعاوی دولت و ملت بر یکدیگر بعدلیه مراجعه شود .

پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات

بنده پیشنهاد می‌کنم تبصره ذیل علاوه شود بر ماده اول تبصره - مقصود از خالصجات انتقالی که در اول ماده نوشته شده عبارت است از املاکی که از یک هزار و دوپست و نود هجری به بعد بمردم واگذار شده و نسبت به املاک دیگر مطابق املاک اربابی و مقررات قانون ممیزی عمومی رفتار شود .

پیشنهاد آقای نابت

نظر به اینکه مدرک برای خالصه بودن انتقالی و غیره دفتر رقبات است و معلوم نیست این دفتر از روی چه اساس تنظیم شده و به متنفذین اعطاء شده این جنبه ماده ذیل را بجای ماده اول پیشنهاد می‌نمایم :

ماده اول - خالصه انتقالی املاکی است که بدون تنازع در تصرف دولت بوده و دولت از آن املاک بهره مالکانه بر میداشته و بعد بتصرف اشخاص درآمده چنین خالصه انتقالی ملک متصرفین شناخته می شود و مدرک مالکیت همان تصرف است و سند دیگری مطالبه نخواهد شد

پیشنهاد آقای عمادی

بنده پیشنهاد می‌نمایم که بعنوان فقره چهارم ماده

اول افزوده شود : اطلاق خالصه انتقالی فقط بر املاکی میشود که در مدت سی سال یا تعرض یا بیست سال بلا تعرض که در دو فقره اول ذکر شده بوده باشد

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد می‌کنم که در این ماده این دو شرط هم اضافه شود شرط اول آنکه مالک معلوم و معین نداشته باشد و شرط دوم آنکه معلوم الوقف نباشد و الا بحال اولش باقی بماند

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

تبصره ذیل را بماده اول پیشنهاد می‌کنم کلیه املاکی که تا قبل از سی سال مقرر در این ماده در تصرف اشخاصی هست بملکیت اربابی شخص متصرف خواهد بود بکلی عنوان خالصه از او مسلوب است

پیشنهاد آقای کازرون

خالصه انتقالی عبارت است از املاکی که دولت بطور خالصه مالک و متصرف بوده و بهمین اسم سند از اجاره کنندگان گرفته و یا بهمین قید (خالصه) قبض رسید رجه داده بعد با اشخاص انتقال داده است

پیشنهاد آقای حقنویس

این جنبه پیشنهاد می‌کنم ماده اول به اینطور نوشته شود : خالصه انتقالی املاکی است که بین دولت و متصرفین آنها توافق باشد که از طرف دولت به متصرفین واگذار شده است و یا در کتابچه ثبت فرامین دولتی فرمان انتقال آن املاک به متصرفین از سی سال قبل تا کنون از طرف دولت مطابق فرمان ثبت شده باشد

پیشنهاد آقای استرآبادی

بنده پیشنهاد می‌کنم کلیه املاکی که در تصرف اشخاص است ولو سابقه خالصه بودن داشته باشد ملک متصرفی اشخاص شناخته میشود

پیشنهاد آقای عمادی

بنده پیشنهاد می‌کنم کلیه املاکی که در تصرف اشخاص است ولو سابقه خالصه بودن داشته باشد ملک متصرفی اشخاص شناخته میشود

پیشنهاد آقای عمادی

بنده پیشنهاد می‌نمایم که در آخر ماده اول تبصره ذیل ضمیمه شود :

تعیین فقرات فوق در حضور کمیسیون مرکب از امین مالیه و عدلیه و مدعی العموم بشود

پیشنهاد آقای دکتر سنگ

پیشنهاد می‌کنم املاکی که از سی سال قبل در تصرف اشخاص است املاک اربابی محسوب و مالیات آن مطابق ممیزی دریافت شود

پیشنهاد آقای احتشام زاده

پیشنهاد می‌کنم عبارت اول ماده اول بشرح ذیل اصلاح شود :

ماده ۱ - خالصجات انتقالی املاکی است که سابقاً ملک متصرفی دولت بوده الی آخر ماده

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد می‌کنم در جزء اول ماده اول بعد از کلمه مشروط بر اینکه ملک اضافه شود . در موقع اجرای این قانون الی آخر

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد می‌کنم در ماده دوم بعد از کلمه اعتراض ساقط خواهد شد اضافه شود :

و همچنین اگر وزارت مالیه حکم تا دو ماه معین نکرد حق بمعارض داده خواهد شد

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد می‌کنم در ماده اول عوض کلمه خالصه انتقالی ملکی نوشته شود : ملک متصرفی مالک الی آخر .

پیشنهاد آقای دهستان

بنده پیشنهاد می‌کنم ماده اول به ترتیب ذیل تنظیم شود :

ماده اول - خالصجات انتقالی املاکی خواهد بود که دولت در مقابل مبلغ و مقدار نقد و جنس مالیات بموجب فرمان به اشخاص واگذار نموده باشد .

۱ - خالصانیکه دولت به اشخاص فروخته و قبالة داده و قیمت آنرا دریافت داشته و یا به ملکیت بخشیده است ملک متصرفی اشخاص خواهد بود.

ب - املاکی که دولت اعتراض خالصگی به آنها نموده در صورتیکه تا سه سال قبل قبض مالیاتی اربانی برای آن صادر نموده است در آتیه حق اعتراض به آن نخواهد داشت.

ج - املاکی که دولت از ده سال قبل به اینطرف از تصرف متصرفین بعنوان خالصگی خارج و توقیف کرده است بقرار ذیل رسیدگی خواهد شد:

از طرف وزارت مالیه و متشکی هر کدام يك نفر و از طرف دیوان عالی نیز يك نفر سر حکم معین شده حکمیت به اکثریت قاطع خواهد بود

رئیس - بقیه مذاکرات را اگر تصویب فرمائید بماند برای جلسه آتیه (نماینده کان صحیح است) دو فقره پیشنهاد راجع به دستور رسیده است قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم هفته يك روز بر عده جلسات مجلس افزوده شود و روزهای شنبه هم مجلس تشکیل شود تا بودجه ها تصویب شود. دکتر طاهری

رئیس - آقای دکتر طاهری - چون بودجه ها باید بگذرد و وقت باید متناسب با مقدار کار باشد این پیشنهاد را بنده تقدیم کردم و حالا که سال به آخره رسیده و بودجه ها حاضر است بعلاوه لوائح کمیسیون های دیگر هم حاضر است شایسته این است که يك روز بر عده جلسات افزوده شود و روزهای شنبه هم مجلس باشد تا بودجه ها تمام شود

رئیس - آقای باسائی - موافقم.

رئیس - آقای افشار - موافقم.

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع

حاج آقا رضا رفیع - بنده مخالف نیستم که يك روز بر عده جلسات افزوده شود ولی شنبه بهتر است و اگر آقایان موافقت فرمایند چنانچه سابقاً هم معمول بود روز دو شنبه باشد و روز چهارشنبه خوب نیست شنبه باشد حاضر تریم

رئیس - رأی میکنیم باین پیشنهاد آقایان که بعضی از نمایندگان - روز شنبه یا چهارشنبه اگر روز شنبه است آقای دکتر طاهری باید پیشنهادشان را پس بگیرند

دکتر طاهری - بنده مقصودم این است که يك روز بر عده جلسات افزوده شود هر روز باشد موافقت میکنم رئیس - پس رأی میکنیم. روز شنبه آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(اغلب بر خاستند)

رئیس - تصویب شد. پس جلسه آتیه پس فردا کفیل وزارت امور خارجه - بنده میخواهم استدعا کنم بودجه سفارت طستان جزء دستور روز شنبه بشود و همچنین خرید خانه برای سفارت افغان

رئیس - دستور جلسه آتیه: در درجه اول تقاضاهائی که شد بعد لایحه خالصجات انتقالی دکتر طاهری - يك پیشنهاد دیگر هم عرض کرده بودم رئیس - قرائت میشود

(مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم هفته دو روز مجلس صرف شور در بودجه مملکتی شود

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - این پیشنهاد توضیح زیادی ندارد زیرا بودجه ها حاضر است و باید درش شور بشود و آقایان هم نظریات خودشان را در بودجه ها اظهار بدارند که

دولت بداند بودجه ۱۳۰۷ را چگونه تنظیم کند این است که پیشنهاد کردم که این چهار جلسه دو جلسه اش رای شور در بودجه باشد و دوروز دیگر برای سایر لوائح

رئیس - آقای آقا سید بعقوب
آقا سید بعقوب - بنده موافقم
رئیس - آقای عهادی

عهادی - عرض کنم که دستور مجلس را نمی شود قبلاً معین کرد و کلیه دستور تابع مقتضیات است و در جلسه قبل باید برای جلسه بعد معین شود و بمشور بیک قاعده کلی در مجلس بگذاریم که در هر هفته دوروز منحصراً بفلان لایحه باشد این برخلاف عقل و حس است باید مقتضیات حکومت کند هر چه را مقتضی دانستیم در دستور قرار خواهیم داد
رئیس - رأی گرفته میشود به این پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(معدودی بر خاستند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای کاررونی.

(بنحو ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم جلسات مجلس از دو ساعت بغروب منعقد شود (همه نمایندگان)

رئیس - آقای کاررونی

کاررونی - این پیشنهاد از غربی داشته. اجازه فرمائید آقایان، شبها دراز و روزها کوتاه و بنده نمیدانم آقایان شبها که کاری ندارند و اگر دارند بنده خبر ندارم

قانون

اجازه پرداخت هفتاد هزار تومان بعنوان اعتبار محرك وزارت پست و تلگراف بابت بودجه ۱۳۰۶
مصوب ۷ دیماه ۱۳۰۶

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد از بابت بودجه هذه السنه وزارت پست و تلگراف مبلغ هفتاد هزار تومان بعنوان اعتبار محرك بوزارت پست و تلگراف پرداخته و از بابت حقوق و اعتبارات مصوبه آنوزارخانه در حدود سنه مالی محسوب دارد.

این قانون که مشتمل بر یکماده است در جلسه هفتم دیماه ۱۳۰۶ شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی حسین میرنیا